

## ((اي عدو آتش زدي پر خرمن ام))

مقاله «کيهان و عاشقانش» چاپ شده در شماره ۲۳ هفته نامه جامعه مدنی ظاهراً موجبات تکدر خاطر مسئولین روزنامه کيهان را فراهم کرده و به همین مناسبت این روزنامه در ستون «يادداشت روز» مورخ چهارده اسفند خود تقریظی! بر این مقاله نگاشته و طی آن ضمن «مرفه» خواندن نویسنده (با ضمیر مذموم!) اتهاماتی تکراری را منتسب به اینجانب کرده که بیان تذکراتی «بدون توقع کمترین تأثیر بر مشی مطبوعاتی این روزنامه» را بر ذمه اینجانب قرار داده است.

از آنجا که پس از چندین بار روخوانی، منظور کلی یادداشت روز کيهان مستفاد نشد و معلوم نبود نویسنده با بکارگرفتن کلمات نامربوط در قالب جملات نامفهوم درصدد القای چه نکته ای بوده است، لذا تنها برای آن بخش از مطالبی که حداقل برای اینجانب مفهوم شد، نکاتی را متذکر می گردم.

ابتداً لازم بذکر است مقاله «کيهان و عاشقانش» علی رغم تاکید کتبی و تلفنی اینجانب به مسئولین محترم هفته نامه «جامعه مدنی» مبنی بر چاپ کامل و یا عدم چاپ آن، بنا بر مقتضیات و ملاحظات قطعاً لازم الاتباع این نشریه وزین توفیق درج کامل را نیافت و به همین دلیل پیام کلی آن مقاله آبر مانده است.

أمهات مقاله «کيهان و عاشقانش» بررسی جامعه شناسانه ضدیت و نفرت تاریخی کيهان و مريدانش از پدیده رفاه اجتماعی بود که مطالعه کامل آنرا در وب سایت شخصی خود با آدرس:

[www.geocities.com/dariushsajjadi/farsimaterial/articleonkayhan.html](http://www.geocities.com/dariushsajjadi/farsimaterial/articleonkayhan.html)

به مسئولین این روزنامه توصیه می نمایم. ضمن آنکه متخلص کردن مذمونه اینجانب به صفت «مرفه مقیم آمریکا» طی یادداشت روز کيهان خود مویدی است بر اعتقادات رفاه ستیزانه مطروحه در مقاله «کيهان و عاشقانش» از جانب این روزنامه.

از سوی دیگر اینکه روزنامه کيهان علی رغم آنکه بعد از چاپ مقاله «مافیهای مافیای قدرت» اینجانب در خصوص پرونده قتلهای زنجیره ای (۱۴ دی ماه ۷۸ - روزنامه پیام آزادی) در مقام پاسخگویی نویسنده را «منافقی جدید» معرفی کرد(۱) و چهار ماه بعد بدنبال ایراد سخنرانی ام در هجدهمین اجلاس سیرا با طرح مطالبی کذب، در جایگاه سیاسی قبلی ام تجدید نظر کرده و اینبار به صفت «ضدانقلاب» خارج از کشور از اینجانب یاد کرد (۲) و امروز بعد از یازده ماه، پس از درج مقاله «کيهان و عاشقانش» اینبار جایگاه نویسنده را با دو درجه تخفیف به سکوی «مرفه مقیم آمریکا» تنزل داده، جای کمال خوشوقتی است.

فرصت را مغتنم شمرده و با تکیه بر تکرار ادعای بهار گذشته این روزنامه در یادداشت روز چهارده اسفندش که در آن مطرح کرده «سجادی در سمینار سیرا انتخاب خاتمی را انتخاب میان بد و بدتر معرفی نموده» پاسخ آن روز خود را که کيهان در آن تاریخ حداقلی از عرف روزنامه نگاری در درج آن بمنظور رعایت حق پاسخگویی اینجانب را رعایت نکرد، در اینجا تکرار می نمایم ضمن آنکه پیشاپیش مراتب قدردانی خود را از مسئولین محترم «جامعه مدنی» که فرصت این پاسخگویی را مهیا کرده اند، ابراز نموده و در عین حال بمنظور رعایت محدودیت ها و مصلحت های این هفته نامه در درج کامل یا ناقص جوابیه مزبور، متن کامل آنرا در آدرس:

[www.geocities.com/dariushsajjadi/farsimaterial/kayhan2.html](http://www.geocities.com/dariushsajjadi/farsimaterial/kayhan2.html)

برای رویت علاقه مندان قرار داده ام.

سابقه ابراز لطف کیهان نسبت به اینجانب به یازده ماه پیش از این باز می‌گردد که این روزنامه طی دو گزارشی که در تاریخهای ۱۳ و ۱۵ اردیبهشت ماه سال جاری از هجدهمین کنفرانس مرکز پژوهش و تحقیق مسایل ایران (سیرا) درج کرد، ناشیانه و همزمان با تمسک به سخنرانی ایراد شده ام در آن اجلاس سه خطای مطبوعاتی را در حق نویسنده مرتکب شد.

نخست آنکه خبری کاملاً کذب را به اینجانب نسبت داد مبنی بر آنکه: «داریوش سجادی در اجلاس برلین شرکت داشته است.»

دوم با انتساب جمله کاملاً کذب «ناصر صالح بودن رئیس‌جمهور منتخب ایران» تهمت آشکاری را متوجه نویسنده کرد.

و سوم آنکه به صورت اجتناب‌ناپذیری با انجام دو عمل ناپسند فوق و با توجه به انتساب این مؤسسه به جایگاه رهبری انقلاب، توهین گستاخانه‌ای را نیز متوجه این جایگاه کرد. صرفنظر از صحت و سقم ادعاها و اخبار ارائه شده کیهان از اجلاس سیرا، این روزنامه در ۱۳ اردیبهشت سال جاری مدعی شده بود:

داریوش سجادی که پیش از این مقالات «بسیار تندي» در حمله به افراد «اصولگرای» کشور در برخی از روزنامه‌های «زنجیره‌ای»! چاپ کرده در سخنرانی خود در اجلاس سیرا گفته: «مردم ایران همواره از زمان مشروطیت می‌دانستند که چه نمی‌خواهند اما نمی‌دانستند که چه می‌خواهند»

کیهان در ادامه همین مطلب ادعا کرده:

«همین تعبیر را سجادی در کنفرانس برلین هم به کار برد» و اضافه می‌نماید:

سجادی در اجلاس سیرا علیه آقای خاتمی دست به فحاشی زده و از مطبوعات اصلاح‌طلب به خاطر اینکه «در سطح» مانده‌اند خرده گرفته و گفته:

«مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ مجبور شدند بین بد و بدتر، یکی را انتخاب کنند»

لازم به ذکر است کیهان در شماره ۱۳ اردیبهشت خود منبع خبرش را رادیو آمریکا معرفی کرد اما در شماره ۱۵ اردیبهشت و اینک ۱۴ اسفندش خود رسماً به تکرار همین ادعاها پرداخته است.

کیهان همچنین در گزارش خود مدعی شده اجلاس مزبور در يك سانسور وسیع خبری برگزار شد و مسئولین سیرا در اجلاس خود به دلیل افشاگریهای برخی مطبوعات در سالهای گذشته درباره ماهیت سیرا و گردانندگان آن، امسال از افشای نام مسافران ایرانی کنفرانس سیرا پرهیز کرده‌اند.

این در حالی است که برخلاف ادعای روزنامه کیهان، اجلاس سیرا نه تنها در استتار و پنهانکاری برگزار نشد بلکه در کنار رادیو BBC و رادیو آمریکا، چندین شبکه تلویزیونی و رادیویی در کنار نمایندگان مطبوعات داخلی آمریکا به ارائه گزارش از این اجلاس پرداختند که علی‌الظاهر منبع خبر کیهان نیز رادیو آمریکا بوده است. این در حالی است که سیرا از يك ماه پیش از برگزاری اجلاس در مرینند، بر روی سایت اینترنتی خود که در تمام دنیا قابل دسترسی است ریز کامل برنامه‌ها و سخنرانیها و سخنرانان اجلاس هیجدهم خود را ارسال کرده بود که هنوز هم این آدرس قابل دسترسی علاقه‌مندان به اطلاع از مدعوین و موضوع سخنرانیهای سیرا می‌باشد.

اما درباره موارد منتسب به اینجانب در گزارش کیهان لازم به توضیح است که:

اولاً موضوع سخنرانی اینجانب «آسیب شناسی جنبش اصلاح‌طلبی ایران» بود که طی آن از يك منظر ریخت‌شناسانه به تحلیل و بررسی دینامیزم حاکم بر جنبشهای اصلاح‌طلبانه تاریخ معاصر ایران پرداخته و همانطور که کیهان به‌درست درج کرده مدعی شده‌ام در تحولات سیاسی -

اجتماعي يك قرن اخير ايران، توده‌هاي مردم فاقد گزينه عالمانه بوده و قبل از آنکه بدانند چه مي‌خواهند مي‌دانستند که چه نمي‌خواهند.

البته اين موضوع که کيهان در مقام اعتراض آنرا مطرح کرده‌سخن نويني از جانب نويسنده نبوده بلکه نخستين بار طي مقاله «سمفوني خاتمي» منتشره در هفته‌نامه «راه نو» (۷۷/۴/۱۲) آنرا مطرح کردم و پس از آن به صورت مشروح‌تري در سلسله مقالات «کفش سيندرلای خاتمي» مندرجه در روزنامه زن (۷۷/۱۱/۲۸) مجدداً به طرح آن پرداخته و همچنين در فوریه سال ۲۰۰۰ در مجله Meddle East In Sight چاپ و اشنگتن نیز بار ديگر مشروح اين دیدگاه را مطرح کرده‌ام. بنابراین قبل از آنکه اين دیدگاه بنابر ادعای کيهان در هيچدهمین کنفرانس «ضدانقلابي»! سيرا مطرح شود در نشریات داخل کشور چاپ شده بود تا جایی که در کمتر از يك ماه بعد از چاپ مقاله «کفش سيندرلای خاتمي» در روزنامه صبیة محترمه آقای هاشمي رفسنجاني، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در اولین مراسم نماز جمعه تهران در سال ۷۸، همچون کيهان قبل از آنکه با اين دیدگاه در مقام يك نظريه و تحليل سياسي برخورد کند، قائلين به اين نگرش را به تاسی ازگفتمان منحصر بفرد خود «خانن»! معرفي نمود.

در مجموع، بررسی انگیزشهاي توده‌ها در تحولات اجتماعي بحثي انتزاعي و کارشناسانه است که به جاي فحاشي، نقدکارشناسانه مي‌طلبد. خصوصاً آنکه اينجانب نیز هرگز محتوای سخنراني و دیدگاه خود را غيرقابل مناقشه ندانسته و با اشتیاق به استقبال انتقاد کارشناسانه آن رفته‌ام. اينکه آیت الله خامنه‌ای، همان طور که از منش فرهنگي و ادیبانه ایشان توقع مي‌رفت در خطبه‌هاي نماز جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه سال جاری برخلاف مشي کيهان، بجای تخطئه دیدگاه مزبور در مقام محاجه با آن برآمدند، مي‌تواند الگوي رفتاري ارزنده‌اي را در اختيار مسئولین اين روزنامه قرار دهد.

هر چند اينکه رهبر انقلاب اسلامي در مقام نفي اين نظريه که «در رفراي دوم جمهوري اسلامي ايران مردم ايران قبل از آنکه بدانند چه مي‌خواهند مي‌دانستند چه نمي‌خواهند» استناد به آگاهی مردم ايران به آرمانهاي بلند «اسلام‌خواهي»، «عدالت طلبی»، «رفع شکاف طبقاتي و فقر»، «مردمي بودن»، «دينداري»، «پرهيز از اسراف و تجمل»، «رواج اخلاق فاضله»، «آزادي فکر و بيان»، «استقلال يابي اقتصادي و فرهنگي» و «حکومت مردمی» در انقلاب اسلامي کرده‌اند، نشان دهنده يك سوء تفاهم ظريف در مواجهه با اين نظريه است.

اینجانب هرگز در مقام نفي آگاهی و دلبيستگي مردم ايران به آرمانهاي انقلاب اسلامي نبوده‌ام، بلکه أمهات ادعای مزبور همان طور که در تمامی مقالات چاپ شده‌ام آمده، عدم آگاهی و شناخت مردم از ارگانيزم سياسي جایگزین ساختار سياسي پيشين در خيزشهاي اجتماعي ايران بوده است.

تمام اهدافي که آیت الله خامنه‌ای در سخنان خود بعنوان دلبيستگيهاي آگاهانه مردم در انقلاب اسلامي برشمردند واقعي کتمان ناپذير است که منحصر به انقلاب اسلامي ايران هم نیست، بلکه در اکثر خيزشها و انقلابهاي مردمی در تمام عرصه تاريخ و جهان کم و بیش اين اهداف به صورت مشترك وجود داشته‌اند، ليکن ادعای اصلي اينجانب، عدم آگاهی مردم ايران از ساز و کار و شاکله هرم نظام سياسي جمهوري اسلامي بوده است.

اثبات اين ادعا را مستند به مباحث و مناقشاتي مي‌کنم که طی ۲۲ سال گذشته هنوز به يك فرجام و اجماع رأي و فهم‌مشترك در سطح نخبگان نظام نرسیده مباحثي همچون: نسبت جمهوريت و اسلاميت، منشأ مشروعيت نظام، حوزه صلاحيت قانوني و يا فراقانوني ولايت فقيه

...و

همانطور که در مشروطه نیز، مشروطه خواهان و مشروطه خواهان هرگز نتوانستند یکدیگر را مجاب کنند و همانگونه که طی ۴ سال اخیر جناحهای سیاسی نتوانسته اند به یک تعریف واحد از «جامعه مدنی» برسند.

صرف نظر از استدلال آیت الله خامنه ای که صرفاً معطوف به رد ادعای ناآگاهی مردم نسبت به گزینششان در فراندوم جمهوری اسلامی در بهار سال ۵۸ می باشد، اما اینکه روزنامه کیهان که از ابتدای زمامداری رئیس جمهور خاتمی با لطف الحیل و بحران آفرینی و جوسازی مطبوعاتی ضمن کارشکنی در مسیر سیاست های اصلاح طلبانه رئیس جمهور خاتمی گاه به طعنه و ایما و ایهام و گاه به صراحت، تلاش در ناصالح و بی کفایت معرفی کردن منتخب مردم در خرداد ۷۶ کرده و می کند، اکنون و به یکباره در مقام دفاع از رئیس جمهور! برآمده و معترض این استدلال شده که «مردم در دوم خرداد ۷۶ می دانستند که چه نمی خواهند اما نمی دانستند که چه می خواهند» جای کمال خوشوقتی است.

فی الواقع کیهان برای نخستین بار و صرفاً بمنظور اثبات ادعای منافق و مزدور بیگانه بودن سخنران! معترض استدلال فوق شده.

به تعبیر دیگر کیهان برای نخستین بار زبان به اعتراف گشوده که در دوم خرداد ۷۶ بیست میلیون مردم ایران در کمال شعور و آگاهی رئیس جمهور خود را انتخاب کرده اند و این اعترافی است میمون و انشالله کیهان به لوازم اعتراف خود پایبند بوده و صادقانه دست از جوسازی علیه منتخب مردم ایران بردارد.

ثانیاً کیهان در گزارش خود به دروغ و یا به اشتباه مدعی شده بود:

«سجادی همین اظهارات را در اجلاس اخیر و جنجالی برلین نیز مطرح کرده بود!» این در حالی است که تاکنون در تمام طول مدت زندگی خود موفق به رؤیت شهر برلین نشده ام! اما با توجه به اینکه مهندس عزت الله سبحانی در اجلاس جنجالی برلین طی سخنرانی خود، اظهار داشته اند: «اکنون برخی از تحلیلگران معتقدند مردم ایران در تحولات تاریخی یکصد سال اخیر ایران می دانستند چه نمی خواهند اما نمی دانستند چه می خواهند» احتمالاً نویسنده گزارش کیهان یا دچار اشتباه شده و مهندس سبحانی را با اینجانب یکی گرفته و یا زیرکانه کوشیده با یک تیر دو هدف را زده و از شانناژی که بر سر اجلاس برلین و سخنرانان آن بعمل آمده بر علیه اینجانب نیز استفاده کند. که در صورت نخست کیهان را می بخشم و در صورت صحت فرض دوم این بر عهده کیهان است که رسماً از اینجانب عذرخواهی کند.

ثالثاً کیهان در تنظیم خبر اردیبهشت ماه خود مدعی بود:

سجادی پیش از این مقالات بسیار تندی در حمله به افراد اصولگرای کشور چاپ کرده است. تا آنجا که اینجانب مطلع است طی تمامی سالهای فعالیت قلمی و مطبوعاتی خود در ایران و خارج از کشور هرگز مقاله ای علیه افراد اصولگرای کشور چاپ نکرده ام. لذا نویسنده کیهان باید ابتدا تعریف خود را از اصولگرایی ارائه دهد.

اینجانب صرف نظر از مقالات منتشره در سالهای قبل از ریاست جمهوری آقای خاتمی که تمامی آنها بدون استثناء باامضاء و در مطبوعات رسمی کشور چاپ شده طی ۴ سال اخیر که روزنامه نگاری در ایران نفس جدیدی کشید، بعضاً مقالاتی در خصوص تحلیل عملکرد مسئولین کشور داشته و خواهم داشت. اما در تمامی آنها کوشیده ام از جاده انصاف خارج نشده و با یک نگرش واقع بینانه به ارزیابی عملکرد مسئولین بپردازم و تنها طی سال ۷۸ سه مقاله در خصوص سلوک فرهنگی آقایان مصباح یزدی، علی اکبر ولایتی و مدیرمسئول فعلی روزنامه کیهان (تمشک طلایی منتشره در پیام آزادی ۷۸/۱۱/۲۳ - عبدالله ماهیگیر منتشره در فتح ۲۸/۱۱/۷۸ و «از رنجی که می بریم» منتشره در پیام آزادی ۷۸/۱۰/۲۲) در ایران چاپ کرده ام.

اگر منظور کیهان از مقالات بسیار تند علیه افراد اصولگرای کشور نامبردگان فوق است، صراحتاً باید معروض دارم که اصولگرا بودن مشارالیهها حداقل برای نگارنده قابل مناقشه است. اما تلخ‌ترین قسمت گزارش کیهان آنجاست که مدعی شده:

سجادی در سخنرانی خود ضمن فحاشی به رئیس جمهور، انتخاب ایشان توسط مردم را گزینه بد در مقابل گزینه بدتر معرفی کرده!

ادعایی که امروز نیز بعد از گذشت یازده ماه مجدداً در «یادداشت روز» چهارده اسفند این روزنامه، و با تکیه بر صنعت «رَد العَجْز علی الصدر» بنقل از اینجانب تکرار شده است. اینکه کیهان مشتاق است اعتقاد خود مبنی بر «انتخاب خاتمی میان دو گزینه بد و بدتر توسط مردم ایران در خرداد ۷۶» را با انتساب کذب دادن آن به اینجانب تکرار و یادآوری کند، مبین خودارضایی این روزنامه در جای انداختن این تلقی از گزینش رئیس جمهور در خرداد ۷۶ است.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم به جای کیهان از محضر ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عذرخواهی کرده که صراحتاً و بی‌پروا با درج و انتشار یک دروغ آشکار سهواً یا عمداً انتخاب اصلح شایسته مردم ایران را مورد اهانت قرار داده و می‌دهد.

هر چند کیهان در گزارش نخست خود (۷۹/۲/۱۳) منبع خبرش را رادیو آمریکا اعلام کرد که در صورت صحت جای گله از رسانه ای که صراحتاً خصومت خود را با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ابراز کرده نیست اما اینکه این منبع نامعتبر مورد استناد یک روزنامه منتسب به جایگاه رهبری انقلاب قرار می‌گیرد، جفایی سنگین به شأن و اعتبار و منزلت این جایگاه است.

یکی از افتخارات نویسنده آن بوده و هست که از آغاز ورود جناب آقای خاتمی به صحنه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری تا حال حاضر به اندازه وسع قلم خود کمترین کوتاهی در دفاع و تشریح سیاستهای مصلحانه ایشان نکرده هر چندشأن فرهنگی و سیاسی ایشان اجل از آن است که قلم الکن! روزنامه‌نگاری چون اینجانب بتواند حق مطلب در تشریح اندیشه‌های والا و عملکرد ایشان را به درستی ادا کند، گذشته از آنکه خاتمی اگر عزیز مردم ایران در خرداد ۷۶ شد برای نگارنده از سالهای حضور پربرکتش در کیهان و ارشاد و کتابخانه ملی عزیز و محترم بوده و هست.

شاید بیان این خاطرة خالی از لطف نباشد که در اواخر اسفندماه سال ۷۵ زمانی که رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری ایران میان محمد خاتمی و ناطق نوری به اوج خود رسیده بود طی گفتگویی که در معیت چند تن از دوستان با خاتمی داشتیم، پس از پایان آن نشست، عکسی به یادگار با ایشان انداخته و در مقام مطایبه به خاتمی گفتم چنانچه در انتخابات پیروز شد با استناد این عکس می‌توانم به دیگران به واسطه مجالست با رئیس جمهوری فخر و مباحثات بفروشم! خاتمی نیز به مزاح پاسخ داد: وچنانچه در انتخابات پیروز نشدم آن عکس را حتماً پاره کن والا به جرم مجالست با من در دسر پیدا می‌کنی! و جالب آنکه اکنون با گذشت ۴ سال از آن تاریخ علی‌رغم پیروزی خاتمی در انتخابات و پس از پشت سر گذاشتن تمامی کارشکنیها و سنگ اندازیهای جناح شکست خورده در مسیر سیاستهای متخذه رئیس جمهور، مضحکانه توسط کیهان به اتهام کاذب فحاشی به رئیس جمهور مورد شماتت و مؤاخذه قرار گرفته و این روزنامه علی‌رغم همه بی‌حرمتیهایش به منتخب مردم ایران در مقام سینه‌چاکان وی برآمده و مدعی شده سجادی، خاتمی را گزینه‌ای میان بد و بدتر از جانب ملت ایران معرفی کرده!

طنز تاریخ آنجاست که جناحی که بعد از شکست سنگینش در انتخابات سال ۷۶، چهار سال است در نجواهای خود متضرعانه زمزمه می‌کند:

ای عدو آتش زدی بر خرمن ام «خر من ام» وای «خر من ام»

اکنون ناشیانه مدعی یاران خاتمی شده است! از سوی دیگر از آنجا که کیهان در گزارش اردیبهشت ماه خود، اینجانب را يك ضدانقلاب مقیم خارج معرفی نموده که اهانت به رئیس‌جمهور کرده‌ام، لذا با فرض صحت ادعای کیهان، دیگر نیازی به برآشفتگی و شهر آشوبی نیست.

توقع صداقت و ارادت از ضدانقلاب نسبت به خاتمی نقض غرض است. همان‌گونه که ۲۲ سال است ضد انقلابیون از ایراد کمترین توهینی به انقلاب و انقلابیونش مضایقه نکرده‌اند. لذا چنانچه کیهان تضمین دهد، برآشفتگی‌اش نسبت به توهین به رئیس‌جمهور با فرض صحت اتهام‌اش به اینجانب برخاسته از ارادت قلبی به خاتمی است، اینجانب نیز متقابلاً تعهد می‌کنم جهت استمرار مودت کیهان با خاتمی، هر روز يك سخنرانی بر علیه رئیس‌جمهور محبوب ایران ایراد نموده تا الفت کیهان با خاتمی افزونتر شود!

در هر حال با توجه به آنکه متن کامل سخنرانی مزبور در فصلنامه شماره ۲ «سیرا» چاپ شده و ماهنامه وزین «فکر نو» نیز در شماره ۸ خود متن کامل آنرا درج کرده است، قضاوت در خصوص آنرا بعهدۀ علاقه‌مندان می‌گذارم.

امانکته حائز اهمیت آن است که مدیریت روزنامه کیهان متأسفانه فارغ از انتسابش به جایگاه ولایت فقیه کمتر به تبعات اعمالش در افکار عمومی توجه می‌کند.

اینکه این روزنامه در تعقیب اهداف سیاسی خود این حق ویژه را برای خود قائل است تا با هر وسیله‌ای ولو اخبار کذب و دروغ به مصاف دیگران برود، حال چه عمدی باشد یا سهوی مستقیماً خدشه زنده به جایگاه رفیع رهبریت انقلابی است که کیهان همواره مدعی نخست تبعیت از ایشان بوده است.

اینجانب اعتقاد وثیق دارم که رهبری انقلاب، گرانیکاه و عروة الوثقای ساختار دینی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران است و بر تمامی جناحها و شخصیت‌های سیاسی فرض است با حفظ حرمت و شأن و منزلت این عروة الوثقا به تعقیب اهداف سیاسی خود بپردازند. اما متأسفانه ظاهراً کیهان در تعقیب شیظنتها و تحصیل اهداف خود هر نوع وسیله‌ای را مباح تلقی می‌کند. پسندیده است کیهان اعم از اینکه عمداً یا سهواً مبادرت به چنین کاری کرده باشد قبل از عذرخواهی از اینجانب، التجاء به رهبری معظم انقلاب برده و از ایشان طلب عفو و حلالیت کند.

داریوش سجادی

آمریکا - ۷۹/۱۲/۱۶

- 
- (۱) - روزنامه کیهان ، ستون اخبار ویژه - ۷۸/۱۰/۱۵  
 (۲) - روزنامه کیهان ، ستون اخبار ویژه - ۷۹/۱۳/۱۵ اردیبهشت/۷۹